



درآمدی بر اجرای عدالت در حکومت مهدوی

علی اصغر الهامی نیا
عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

مفهوم لغوی عدالت و تعاریفی که برخی از بزرگان از آن ارائه داده‌اند بخش نخست مقاله را تشکیل داده است. بخش دوم تحت عنوان «فصل الخطاب عدالت» این پرسش را مورد کنکاش قرار داده که مفهوم واقعی عدالت را چه کسی می‌تواند درک کند تا در مرحله بعد بتواند آن را اجرا نماید؟ پاسخ خلاصه شده اینکه معصوم چون از علم و دانش الهی برخوردار است، مفهوم گسترده عدالت مطلق را درک می‌کند و نیز توانایی اجرای آن را دارد.

تسلیت سوم مقاله به برخی افکارهای اجزای عدالت در حکومت نهایی تاریخ می‌پردازد و آن را در هفت عنوان حق‌مداری، گریختن مدیران عادل، ترسیم برنامه عدالت‌محور، قانون‌گرایی، مسئولیت‌ها، یا منتظران و فاسدان، امنیت و رفاه عمومی و مسئولان دادگاه و فرهنگ پرسشگر تبیین می‌کند. سپس به نتیجه‌گیری می‌پردازد. کلید واژه‌ها: حکومت مهدوی، عدالت، مفهوم اجرای عدالت.



تبیین واژه عدالت

در بیان واژه «عدالت» گفته‌اند: «وَضَعُ الشَّيْءِ فِي مَوْضِعِهِ» هر چیزی را در جای خود نهادن؛ چنان که ضد آن - ظلم - نگذاشتن هر چیزی در جایگاه خویش است.^۱
پس این گزینه‌ها در مجموعه عدالت قرار دارد:

حفظ جان انسانهایی که حق حیات دارند، پرداخت دستمزد کارگری که کار را درست انجام داده است، دانش آموختن به کسی که بدان نیاز دارد، سپردن هر کاری به کسی که شایسته آن است، وادار کردن افراد به کارهای نیک و مفید و بازداشتن آنها از اعمال زشت و زیان آور. این گزینه‌ها نیز ظلم محسوب می‌شود، کاشتن نهالی که نیاز به آب و هوای معتدل دارد در منطقه گرمسیر یا سردسیر، مصرف بیش از اندازه آب و غذا، نپرداختن حقوق دیگران، ایجاد مانع در راه سعادت خود و دیگران، اعتقاد به چیزی موهوم و خیالی و مانند آن. چنانکه ملاحظه می‌نمایید، عدالت بسان جان در همه رگهای حیات جاری است و ابعادی بس وسیع و فراگیر دارد و آدیان از آغاز تا انجام زندگی با آن مواجه‌اند تا آنجا که امیر مؤمنان (ع) آن را مساوی با حیات و زندگی دانسته و فرموده است: «الْعَدْلُ حَيَاةٌ».^۲

همین اهتمام سبب شده که همه انسانها در همیشه تاریخ به عدالت عشق بورزند، خود را بدان منتصف کنند، از دادگران حمایت کنند و ستمگران را نفرین نمایند. چنانکه فرهیختگان و وظیفه خود دانسته‌اند که ابعاد عدالت را برای مردم تبیین کنند و فرهنگ دادگری را در جامعه‌ها رواج دهند. از این رو فقیهان، سیاستمداران، علمای اخلاق و دیگران به فراخور حال و به نوعی از عدالت دم زده‌اند و طبق نظر خویش آنرا طرح کرده‌اند و بر اجرای آن پای فشرده‌اند.

حال، سؤال این است که عدالت، کجا، چه وقت، چگونه و توسط چه شخص یا گروه یا مذهبی قابل اجراست؟ و پرسش اساسی‌تر اینکه فصل الخطاب عدالت کیست؟ و اصولاً آیا فرد یا مرکزی وجود دارد که همه چیز را بشناسد و موضع همه را بداند تا آنها را در موضع مناسب خویش قرار دهد؟ بخش‌های آتی مقاله در حد امکان به این پرسشها پاسخ خواهد داد.

فصل الخطاب عدالت

لازمه اجرای صحیح عدالت و قرار دادن هر چیزی در جای خود، داشتن علم کافی به همه چیز و نیز دانستن ارتباط میان اجزا با کل هستی است و گرنه عدالت در جزء و کل محقق



نخواهد شد و نظام آفرینش به کمال مطلوب نخواهد رسید. چنین دانشی جز در نزد آفریننده هستی یافت نمی‌شود و «إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید: ۳)

و چون آفریننده و مالک همه چیز نیز هست، حاکم بر آنها هم هست، به تعبیر عرفانی حضرت امام خمینی (ره):

اسم اعظم «الله» که حکومت مطلقه از آن اوست و حاکم علی الاطلاق بر همه اسماء است، با دو اسم حاکم و عادل تجلی نمود و در میان آنها با عدالت حکم کرد. پس امر الهی عدالت را اجرا نمود و سنت الهی - که تبدیلی در آن نیست - جاری گردید... و این همان حکم عدالت بود.^۳

همچنین امام با استفاده از آیه «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (هود: ۵۶)، نتیجه می‌گیرد که رب «انسان کامل» بر صراط مستقیم و حد اعتدال تام بوده، مریوب او یعنی همان انسان کامل - پیغمبر - نیز بر صراط مستقیم و اعتدال تام است.^۴

بدین ترتیب خداوند، انسان‌هایی را به نام پیامبر، به طور کامل و همه جانبه از نظر عقیده، عمل و اخلاق تربیت کرده به گونه‌ای که هیچ‌گونه انحراف از عدالت مطلق در افکار، کردار و گفتار آنان راه نمی‌یابد و آنان مأمور می‌شوند که عدالت را در جامعه انسانی پیاده کنند و مردم را نیز به گونه‌ای تربیت کنند که خود قیام به قسط و عدالت نمایند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...»

(حدید: ۲۵)

به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم، تا مردم به انصاف برخیزند.

و به خاتم الانبیاء (ص) نیز چنین می‌فرماید:

«فَلْيَذِكُرْكَ قَادِعٌ وَأَسْتَقِيمٌ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ» (شوری: ۱۱۵)

بنابراین به دعوت پرداز و همان‌گونه که مأموری ایستادگی کن و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم.

چنان که ملاحظه می‌کنید «دعوت، استقامت، استقلال رأی، ایمان به کتاب آسمانی»

همه لازمه و زیرساخت اجرای عدالت از سوی پیامبر معرفی شده که بدون آن دادگری امکان‌پذیر نیست.

به این نکته ظریف تاریخی دقت کنید: در جنگ حنین غنائم فراوانی نصیب مسلمانان شد و رسول خدا(ع) پس از بازگشت از طائف در محلی به نام «جرعانه» به تقسیم غنیمت میان مردم پرداخت. در این اثنا پسر ابو خویصره - که از سران خوارج شد - به پیامبر گفت: «عدالت پیشه کن!» رسول خدا از سخن نابجای آن شخص برآشفته و فرمود: «وَيْلَكَ وَ مَنْ يُعْدِلُ إِذَا لَمْ أَعْدِلْ؟»^۵ وای بر تو! چه کسی عدالت خواهد ورزید آنگاه که من عدالت نوزم؟! مفهوم کلام نبوی این است که اصولاً کسی جز انسان کامل توانایی اجرای عدالت به معنای واقعی کلمه را ندارد و شاخص حق و باطل و عدالت و ظلم همان معصوم است که خداوند او را به عنوان جانشین خود تعیین فرموده است؛ او از یک سوی دارای «علم لدنی» است که می تواند به همه اشیا - به کمک الهی - احاطه و اشراف داشته باشد و هرگز در تعیین موضع برای اشیا را اشتباه نکند و از سوی دیگر به سبب ایمان و تقوای بالایی که دارد حق هر کسی را به او عطا کند و او را در بستر سعادت خویش یاری نماید.

جالب اینکه معلم ثانی نیز از زاویه فلسفی - که به طراحی مدینه فاضله عاقلانه پرداخته - به همین نتیجه رسیده است:

فارابی فلسفه را عین آرای اهل مدینه فاضله می دانست و معتقد بود که رئیس مدینه باید فیلسوفی باشد که علم خود را از مبدأ وحی می گیرد، در واقع، رئیس فیلسوف مدینه فاضله فارابی «نبی» است و دین صحیح به نظر او عین فلسفه است.^۶

بدین ترتیب، دین و خرد بر این نکته اتفاق دارند که فصل الخطاب و سخن آخر در عدالت، مجموعه دین آسمانی است و خلیفه معصوم خدا با اختیار داشتن دانش و معارف سرشار آسمانی، احکام و قوانین حقیقی و عادلانه، اخلاق صحیح انسانی و دیگر مؤلفه های مادی و معنوی، مکلف به ایجاد حکومت برای گسترش عدالت در جهان است. نظر امام خمینی (ره) چنین است:

احکام شرعی قوانین اسلام هستند و این احکام شأنی از شئون حکومت می باشند بلکه احکام، مطلوب بالعرض و اموری ایزاری هستند برای اجرای حکومت و گسترش عدالت.^۷ به همین سبب، نخستین شرط متولیان دین از صدر تا ذیل، پایبندی به عدالت است!

اسلام، خدایش عادل است، پیغمبرش هم عادل است و معصوم، امامش همه عادل معصوم است، قاضی اش هم معتبر است که عادل باشد، فقیهش هم معتبر است که عادل باشد، شاهد طلاق هم معتبر است که عادل باشد امام جمعه اش هم باید عادل باشد؛ از ذات مقدس کبریا گرفته تا آخر زمامدار باید عادل باشد، ولات آن هم باید عادل باشند.^۸



و با توجه به اینکه منظر خداوند اجرای عدالت مطلق در زمین و به تعبیر روایات «پس شدن زمین از عدالت» است، و چنین مهمی تاکنون محقق نشده و روزی باید چنین شود، خداوند آخرین معصوم آسمانی را برای تحقق این امر مهم ذخیره کرده است و شاید مهم‌ترین راز غیبت حضرت یقیه‌الله ارواحنا له الفدا نیز همین باشد:

«قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که بر ما مسائلی را می‌فهماند، من جمله اینکه برای یک همچو کار بزرگی - که در تمام دنیا عدالت به معنای واقعی اجرا شود - در تمام بشر کسی نبود الا مهدی موعود (ع)، که خدای تبارک و تعالی او را ذخیره کرده است برای بشر... آن هم نه این عدالتی که مردم عادی می‌فهمند - که فقط قضیه عدالت در زمین برای رفاه مردم باشد - بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت... الان زمین - و بعد از این، از این هم بدتر شاید بشود - پر از جور است، تمام نفوسی که هستند انحرافات در آنها هست، حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافات هست و لو خودش نداند، در اخلاقها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند «يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا»^۹... تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله و ظلم و جور را از تمام روی زمین بر می‌دارند به همان معنای مطلقش».^{۱۰}

راهکارهای اجرایی

۱. حق‌مداری

میان حق و عدالت، رابطه تنگ و ناگسستنی است و آن دو بر مدار یکدیگر می‌چرخند؛ حق، عدل است و عدل، حق، حق هر کسی را باید بر اساس عدالت داد و عدالت را باید بر مدار حق اجرا کرد؛

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ. (ص: ۲۶)

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم، پس میان مردم به حق داوری کن و زنه از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند.

و «حق» به معنای وسیع کلمه از جانب خدا تعیین می‌شود که بدون تردید در قالب دین و کتاب آسمانی و لزوماً در حال حاضر منحصر به شریعت مقدس محمدی (ص) است:

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ. (بقره: ۱۴۷)

حق از جانب پروردگار تو است، پس مباد از تردید کنندگان باشی.

حکومت حق و حکومت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - که حکومت عدل اجتماعی است همان حکومت عقل است، عقل حاکم است، هوی حاکم نیست، اگر هوی غالب شد همین بساط است، اگر عقل بر هوی غالب شد مفاسد از بین می‌رود. در ظهور دولت حق ولی عصر (ع) تمام این مفاسد برداشته می‌شود. هوی هم در فرد است و هم در اجتماع، هم آتش فرد را باید خاموش کرد و هم آتش اجتماع را و این فقط یک راه دارد و آن معارف و توحید اسلام است، معرفت الله است، فقه و عبادت و نماز و روزه اسلام است، اگر معرفت باری تعالی برای یک انسانی حاصل شود از تمام گرفتاری‌ها نجات پیدا می‌کند همین معرفت به خدا و توحید حق تعالی.^{۱۱}

معرفت صحیح نسبت به آفریننده و آفرینش در افراد سبب گرایش آنها به حق و برپایی عدل خواهد شد و چنین کار عظیمی توسط حضرت مهدی (ع) به منصف ظهور خواهد رسید. راز این مهم در دو نکته نهفته است؛ نخست آنکه شخصیت معصوم (ع) به گونه‌ای است که حتی برای یک لحظه از حق و حق طلبی جدا نیست. این مطلب را علامه حلی چنین بیان می‌کند:

الْإِمَامُ نَفْسُهُ دَائِمًا مُتَوَجِّهَةٌ بِالْكَلِّيَّةِ إِلَى طَلَبِ الْحَقِّ وَالصَّوَابِ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَإِلَّا لَمْ يَصْلُحْ لِلْعَدْلِ فِي كُلِّ الْأَوْقَاتِ.^{۱۲}

وجود امام به طور دائم و کلی متوجه حق طلبی و درستی در همه موجودات است، اگر غیر این باشد صلاحیت عدالت در هر لحظه را ندارد.

دوم آنکه امام باشد پیرو برنامه ریزی صحیح، مردم را به چنان رشد عقلی و خردورزی جمعی می‌رساند که خود حق جو و حق طلب می‌شوند و به حق قیام می‌کنند. این موضوع یکی از اهداف عالی همه پیامبران الهی بوده و در سوره حدید آیه ۲۵ بدان تصریح شده است. امام زمان (عج) توفیق چنین کاری را می‌یابد و با عنایت الهی عقل و هوش مردم را کامل می‌کند. امام باقر (ع) فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَفْئالَهُمْ.^{۱۳}

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست او را بر سر مردم می‌کشد و بدین وسیله عقلشان را جمع و خودشان را کامل می‌سازد.



حق مداری دولت مهدوی تا آنجا حائز اهمیت است که در آغاز ظهور منادی آسمانی نیز مردم را با همین شعار به پیروی از حضرت مهدی (ع) فرامی خواند. امام رضا (ع) فرمود:

هُوَ الَّذِي يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَسْمَعُهُ جَمِيعُ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالدَّعَاءِ إِلَيْهِ يَقُولُ إِلَّا إِنَّ حُجَّةَ اللَّهِ قَدْ ظَهَرَ عِنْدَ بَيْتِ اللَّهِ فَاتَّبِعُوهُ فَإِنَّ الْحَقَّ مَعَهُ وَ فِيهِ ۱۴

مهدی همان است که منادی آسمانی - به گونه ای که همه ساکنان زمین بشنوند - همه را به سوی او فرامی خواند و می گویند: هلا حجت خدا در مکه - خانه خدا - ظهور کرده، از او پیروی کنید که حق با او و در او نهفته است.

حق دهی حکومت مهدوی پایه پای دادگری آن، به طور مطلق و فراگیر است و همه مردم با هر نژاد و رنگ و منزلتی بدون استثناء به حق خود خواهد رسید. امام صادق (ع) فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ انْتَفَعَ الْجَوْرُ فِي أَيَّامِهِ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ. ۱۵

وقتی حضرت قائم قیام کند، به عدالت داوری کند و عصر او ستم رخت بر بندد و راهها ایمن گردد و زمین برکاتش را بیرون آورد و ایشان هر حقی را به صاحبش باز گرداند.

و نه تنها نیکان بلکه بدان نیز از حق خویش محروم نخواهند شد. امام باقر (ع) فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمًا فَإِنَّهُ تَنْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَغْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ. ۱۶

وقتی قائم ماقیام کند، ثروتها را یکسان پخش کند و در میان آفریدگان خدا - خواه نیکوکار و خواه بدکار - دادگری کند.

۲. گزینش مدیران عادل

حکومت جهانی حضرت مهدی (ع) مانند سایر حکومت های بشری توسط دولتمردان و کارگزاران اداره می شود که پس از رئیس حکومت، بیشترین نقش را بر عهده دارند و انتخاب درست آنها کلید موفقیت حکومت است و حاکمی که از تیم عادل، همفکر، همراه، دلسوز، فهیم و کارآمد برخوردار نباشد در اداره حکومت چندان موفق نخواهد شد.

موضوع مهم یاران حضرت مهدی در طرح حکومت جهانی پیش بینی شده، نخست قرآن مجید درباره آنها فرموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. (مائده: ۵۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خداوند گروهی را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان نیز او را دوست دارند؛ اینان با مؤمنان فروتن و بر کافران سرفرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد می‌دهد و خدا گشایشگر داناست.

گرچه مفسرین، مصداق نخست این آیه را امیر مؤمنان و یاران باوفای پیامبر در صدر اسلام دانسته‌اند، ولی این نکته را نیز یادآور شده‌اند که آیه به عصر ظهور نیز نظر دارد و حضرت مهدی و یاران او مشمول این آیه هستند^{۱۷} و پنج عنوان یاد شده در آن، سرفصل ویژگی‌های آنها را بیان کرده است که عبارتند از:

۱. عشق راستین به خدا دارند.
 ۲. نسبت به مؤمنان در نهایت خضوع و غمخواری و همکاری هستند.
 ۳. نسبت به کافران، کمترین سازش را ندارند و همواره مستقل و سرفرازند.
 ۴. مجاهدان پرشور و مخلصی هستند که جز به پیروزی حکومت مهدوی و اجرای فرمان خدا به کار دیگری نمی‌پردازند و جهادی همه جانبه را بر ضد جبهه شیطان و کفر و شرک رهبری می‌کنند تا بر آنها فائق آیند.
 ۵. هرگز در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن، سست نمی‌شوند، چراکه بر درستی راه خویش و گمراهی دشمنان واقف‌اند و به راستی که چنین روحیاتی، فضل الهی است که به همه کس عطا نمی‌شود.
- امیر مؤمنان (ع) نیز در روایتی موضوع پر شدن زمین از عدالت را کاری جمعی دانسته می‌فرماید:

قَمَلَانِ الْأَرْضِ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى لَا يَقُولَ أَحَدُ اللَّهِ إِلَّا مُسْتَخْفِيًا ثُمَّ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ صَالِحِينَ
مَلَأُوهُنَّ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.^{۱۸}

زمین تا آنجا سرشار از ستم و ناحق می‌شود که کسی جز پنهانی نام خدا را نبرد، آنگاه خداوند گروهی شایسته را روی کار آورد تا زمین را - چنانکه پر از ظلم و جور شده - سرشار از قسط و عدالت کند.

روایات فراوان دیگری به ویژگی، حالات و عملکرد یاران حضرت مهدی (عج) پرداخته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:



امام صادق (ع):

هَمَّ التَّجْبَاءُ وَ الْقَضَاءُ وَ الْحُكَامُ وَ الْقَهَّاءُ فِي الدِّينِ يَسْحُ اللَّهُ بَطُونَهُمْ وَ ظُهُورَهُمْ فَلَا يَشْبَهُ عَلَيْهِمْ حُكْمٌ. ١٩

آنان، نجیبان، قضات، فرمانروایان و فقیهان در دین هستند که خداوند به آنها عنایت می‌کند و هیچ حکمی بر ایشان مشتبه نمی‌شود.

همچنین در تفسیر آیه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا» (بقره: ۱۶۸)

«منظور ۳۱۳ نفر اصحاب مهدی هست، به خدا سوگند آنها شمارش شدگانند که در یک لحظه گرد هم می‌آیند. ۲۰»

روایات گویای آن است که ۳۱۳ نفر یاران آن حضرت، در حقیقت نمایندگان ایشان و فرمانروایان مناطق مختلف جهانند که هر یک برای اداره محل مأموریت خویش اعزام می‌شوند. امام باقر (ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ أَقْلِيمٍ رَجُلًا» ۲۱
وقتی حضرت قائم قیام می‌کند به هر کشوری یک نفر اعزام می‌کند.

امام صادق (ع) نیز فرمود: «يُقَرِّقُ الْمَهْدِيُّ أَصْحَابَهُ فِي جَمِيعِ الْبُلْدَانِ وَيَأْمُرُهُمْ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ عَلَيْهِمْ حُكْمًا فِي الْأَقَالِيمِ وَيَأْمُرُهُمْ بِعِفْرِانِ الْمُدُنِ» ۲۲ حضرت مهدی یارانش را در همه بلاد تقسیم می‌کند و به آنها دستور می‌دهد که به عدالت و احسان رفتار کنند. آنان فرمانروایان مردم در مناطقتند و فرمانشان می‌دهد که مناطق را آباد کنند.

امیر مؤمنان (ع) شرایط و وظایف تیم حکومتی حضرت مهدی (ع) را این‌گونه بیان می‌کند: حضرت مهدی (عج) از همکارانش تعهد می‌گیرد که دزدی نکنند، بی‌عفتی ننمایند، بدگویی نکنند، انسان محترمی را نکشند، حرمت محترمی را هتک نکنند، به خانه‌ای یورش نبرند، کسی را به ناحق کتک نزنند، طلا و نقره نیندوزند، ارزاق را احتکار نکنند، مال یتیم را نخورند، به آنچه نمی‌دانند گواهی ندهند، مسجدی را تخریب نکنند، مست کننده ننوشند، جامه خز و دیبا نپوشند، از زیور طلا استفاده نکنند، راه بر کسی نبندند و آن را ناامن نسازند، هم جنس بازی نکنند، به اندک راضی باشند، پاکی‌ها را طالب باشند و از پلیدی‌ها ناخوش گردند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند لباس درشت بپوشند، سر بر خاک نهند و حق جهاد در راه خدا را به جای آورند. از سوی دیگر خود نیز به آنان تعهد می‌دهد که چون آنان رفتار کند و بسان آنان جامه بپوشد، مرکبش مانند آنان باشد و بر اندک [امکانات] خشنود شود و به کمک خدا زمین را - چنانکه پیر از ناحق شده - سرشار از عدالت کند، خدا را چنانکه شایسته است بپرستند و نگهبان و دربان نیز به کار نگیرد. ۲۳

مصلح نهایی بسان اجدادش - محمد و علی و حسین (ع) - در زندگی شخصی خویش فراتر از عدالت یعنی به زیور ایثار و احسان آراسته است، او در عین اینکه عموم مردم را از زلال عدالت سیراب می‌سازد از ایثار و احسان نیز نسبت به آنان دریغ نمی‌ورزد، از راحتی خویش می‌گذرد تا مردم سختی نبینند از این رو در طول نهضت و حکومت خویش، هرگز به ثروت‌اندوزی، رفاه و آسایش خود و خانواده‌اش اندیشه نیز نمی‌کند تا چه رسد به عمل. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: حضرت قائم، مسجد سهله را منزل خود و عیالش قرار می‌دهد.^{۲۴}

۳. ترسیم برنامه عدالت محور

حضرت مهدی (ع) با کارگزارانش پیمان نامه عدالت را امضاء می‌کنند، این پیمان نامه همان دستور العمل‌های اجرایی عدالت در گستره گیتی است. امام شاخص‌های کلی عدالت را به صورت مدوّن در اختیار هر یک از نمایندگان خود می‌گذارد و هنگام اعزام آنان به اقصی نقاط جهان از آنان پیمان اکید می‌گیرد که بدان عمل کنند و هرگز از مسیر عدالت منحرف نشوند. امام باقر (ع) می‌فرماید: حضرت مهدی (ع) هنگام اعزام نمایندگان خویش به نقاط مختلف جهان به آنان می‌فرماید:

«عَهْدُكَ فِي كِتَابِكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ أَمْرٌ لَا تَقْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانظُرْ إِلَى كِتَابِكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا»^{۲۵}

دستور العمل تو در دست می‌باشد؛ اگر امری برایت پیش آمد که آن را درک نمی‌کنی و یا نمی‌دانی چگونه در آن دآوری کنی، به کف دست نگاه کن و به آنچه در آن است عمل نما.

۴. قانون گرایی

امام چون معصوم است همه قوانین را به خوبی می‌داند و بدان عمل می‌کند و کارگزاران خویش را نیز ملزم می‌کند که طبق قانون اسلام حرکت کنند. خداوند در شب معراج، حضرت بقیه‌الله (ع) را به پیامبر نشان داد و فرمود:

این همان قائم است که حلالم را حلال و حرامم را حرام می‌کند و به وسیله او از دشمنانم انتقام می‌گیرم و او راحت دوستان من است و او کسی است که دل شیعیان تو را [از شر] ستمگران و منکران و کافران شفا می‌بخشد.^{۲۶}

از این رو حضرت مهدی (ع) در نخستین سخنرانی خود پس از ظهور همگان را به رعایت قوانین الهی فرامی‌خواند و می‌فرماید:



ای مردم، من جایگاه شما را در پیشگاه الهی به یادتان می‌آورم؛ همانا خداوند دلایلش را برایتان کامل فرموده و پیامبران را برانگیخته و کتابها را فرو فرستاده و فرمانتان داده که هیچ چیز را شریک او قرار ندهید و بر اطاعتش مراقبت داشته باشید و نیز پیامبرش را تبعیت کنید، آنچه را قرآن زنده دانسته زنده کنید و آنچه را میرانده بمیرانید و همراهان راه هدایت باشید چرا که دنیا در آستانه پایان است و اجازه خداحافظی یافته است... بنابراین من شما را به سوی خدا و پیامبرش می‌خوانم و از شما می‌خواهم به کتابش عمل کنید و باطل را از بین ببرید. ۲۷

۵. ستیز بی‌امان با ستمگران و فاسدان

حکومت عادلانه مهدوی، آخرین امید مستضعفان و حق طلبان تاریخ است که پرچم مبارزه با ستمگران و مفسدان را تا نابودی کامل آنان بر زمین نخواهد نهاد، همه حکومت‌های ستمگر را سرنگون خواهد ساخت و به تعبیر خدای متعال، زمین را از لوث وجود دشمنان خدا پاک خواهد کرد؛ در حدیث قدسی خطاب به پیامبر اکرم (ص) چنین آمده است:

بِهْ أَطَهَّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَوْرِثُهَا أَوْلِيَائِي وَ بِهِ أَجْعَلُ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي السُّفْلَى وَ كَلِمَتِي الْعُلْيَا. ۲۸

به وسیله مهدی، زمین را از دشمنانم پاک خواهم ساخت و آن را در اختیار دوستانم قرار خواهم داد و به وسیله او کلمه کسانی را که به من کفر ورزند پست گردانم و کلمه خویش را برتر کنم.

سفیانی و دجال، سمبل‌های زور و تزویرند که به همراه هواداران خود در برابر قیام عدالتخواهانه حضرت مهدی می‌ایستند ولی در نهایت با دیگر موانع تحقق عدالت و انسانیت از میان خواهند رفت و امام «عدالت مطلق» را در سراسر گیتی اجرا خواهد نمود و دست ستمگران و متجاوزان را در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، اخلاقی و غیره قطع خواهد کرد.

۶. امنیت و رفاه عمومی

در پرتو حاکمیت عدالت، همه انسانها بدون استثنا در امنیت و رفاه زندگی خواهند کرد.

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجُورُ وَ أَمَّتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا. ۲۹

آن‌گاه که حضرت قائم قیام کند، به عدالت حکم راند و در عصر او ستم رخت بریندد و راهها امنیت یابد و زمین برکت‌های خویش آشکار سازد.

حضرت بقیة الله (عج) سیستم عادلانه‌ای را به اجرا می‌گذارد که هیچ‌کس از هیچ امکاناتی محروم نخواهد ماند. امام باقر (ع) در روایتی می‌فرماید:

آنگاه که قائم م‌ا ظهور کند، ثروتهای دنیا از زیر و روی زمین در اختیارش قرار می‌گیرد و به مردم اعلام می‌کند، بیاید این ثروتها را - که به خاطرش با خویشان قطع رابطه می‌کردید و خونها می‌ریختید و حرمت‌های الهی را پاس نمی‌داشتید - بردارید و ببرید و آنقدر می‌بخشد که اصلاً سابقه نداشته است.^{۳۰}

برنامه‌های اقتصادی چنان شکوفا می‌شود که زمین سرشار از نعمت و برکت می‌گردد؛

فَجَيِّدٌ تَطْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْرِئُ بَرَكَاتِهَا وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِمَصَدَقَةٍ
وَ لَا بَرَّةً لِمُشْمُولٍ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ.^{۳۱}

در آن زمان، زمین گنجینه‌های خویش آشکار کند و برکتهای خود بنماید و کسی از شما نیازمندی نمی‌یابد که بدو صدقه دهد و نیکی کند، برای اینکه ثروت و بی‌نیازی شامل همه مؤمنان شده است.

ابو سعید خدری نیز از پیامبر چنین نقل می‌کند:

مردی به خدمت ایشان می‌رسد و می‌گوید: ای مهدی! به من ببخشید، [به دستور ایشان] آنقدر که توان حمل داشته باشد [از آنچه بدان نیاز دارد] به او می‌دهند.^{۳۲}

۷. گسترش دانش و فرهنگ پرستش

امام معصوم، دارای علم لدنی است و به همه حقایق عالم آگاه است و «هر چه را که بخواهد بداند، می‌داند»^{۳۳} و بدون تردید حکومت مهدوی، حکومت دانش و تخصص و تعهد خواهد بود. امام باقر (ع) فرمود:

آنگاه که قائم م‌ا قیام کند دست بر سر مردم می‌نهد و خردشان را متمرکز کند و هوش آنها کامل شود.^{۳۴}

همچنین در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود:

همه علوم ۲۷ بخش است که دو بخش آن را پیامبران آورده‌اند و مردم تا کنون بیش از آن را نمی‌دانند. وقتی حضرت مهدی (ع) ظهور کند ۲۵ بخش باقی مانده را هم در میان مردم آشکار سازد.^{۳۵}

بنابراین دانش و سطح فکر و فهم مردم در حکومت مهدوی به اوج خود می‌رسد و شهروندان دولت نهایی، جملگی فرهیخته و فهمیده خواهند بود که این فرهیختگان خود پایه



اجرای عدالت مطلق می‌گردد و خرافات و اندیشه‌های یاوه نیز ناپود خواهند شد. در قرآن مجید می‌خوانیم:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزُّكُوتَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (حج: ۴۱)

کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وا می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام کارها از آن خداست.

امام باقر(ع) در تفسیر این آیه می‌فرماید:

این آیه از آن آل محمد(ص) است؛ مهدی و یارانش، خداوند مشرق و مغرب زمین را در اختیار آنان قرار می‌دهد، دین را آشکار خواهد کرد و خداوند به وسیله آنان، بدعت و یاوه را از بین خواهد برد - چنانکه سفیهان، حق را ناپود ساخته‌اند - تا اینکه اثری از ستم باقی نمانده و آنان امر به خوبی‌ها کنند و از زشتی‌ها باز دارند.^{۳۶}

تلاش خستگی‌ناپذیر فرمانروا و کارگزاران حکومت مهدوی بدانجا می‌انجامد که امام کاظم(ع) می‌فرماید:

لَا يَتَّقِي فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِحْدًا إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ.

در شرق و غرب عالم احدی نماند جز آنکه خدا را به یگانگی بشناسد.

آنگاه چنان که پیامبر اعظم(ص) فرمود: عادات و عبودیت در هم آمیزد و بشریت راه پرستش آگاهانه و عادلانه را بیبماید.

يَمَلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ يَسَعُهُمْ عَذَابُهُ.^{۳۷}

(مهدی(ع)) دل‌های بندگان خدا را سرشار از پرستش کند و عدالتش همگان را فراگیرد.

بدین ترتیب هدف نهایی آفرینش - که همانا پرستش واقعی خداست - به منصه ظهور رسد چه اینکه خود فرمود:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي. (ذاریات: ۵۶)

و جن و انس را نیافریدیم جز آنکه مرا پرستند.

۸. تشکیل جامعه آرمانی

آدمیان از روز نخست زندگی تاکنون و تا ظهور آخرین ذخیره الهی در آرزوی جامعه پاک و بدون ستم و فساد نفس کشیده‌اند و این آرزو از حلقوم بزرگانی چون افلاطون و فارابی به عنوان «مدینه فاضله و آرمان شهر» فریاد شده، اما تشکیل نشده است و آخرین معصوم

تاریخ به پشتوانه الهی چنین آرزویی را برآورده خواهد ساخت، همانطور که امیر مؤمنان (ع) چشم انداز آن را چنین ترسیم کرده است:

حضرت مهدی (ع) فرمانروایانش را به شرط دادگری در میان مردم به سایر نقاط اعزام می‌کند، در آن زمان، گرگ و میش در یک جا می‌چرند و کودکان با مارها و عقرب‌ها بازی می‌کنند بدون آنکه گزندی به آنان برسد. شرّ و بدی از جهان رخت بر می‌بندد و آنچه باقی می‌ماند خیر و نیکی است، کشاورزان هفتاد برابر کشت خویش محصول به دست آورند، زشتی و پلشتی همچون زنا، ربا و شرابخواری ناپود شود و مردم به پرستش خدا و دین و نماز جماعت روی آورند. میانگین عمر بالا رود، امانت‌ها مسترد شود، درختان پر میوه شوند و برکات افزون گردد و نیز تبهکاران منقرض گشته، نیکوکاران افزون شوند و دیگر کسی با اهل بیت دشمنی نخواهد کرد.^{۳۸}

نتیجه

فطرت آدمی به گونه‌ای آفریده شده که جز در سایه حق و عدالت آرام نمی‌یابد و راه سعادت را نمی‌پیماید، اسلام دینی است که با فطرت انسان سازگاری کامل دارد و به همه خواسته‌های او پاسخ صحیح می‌دهد و حکومت اسلامی چنین وظیفه‌ای را بر عهده گرفته است. امروزه ستمگران و جاهلان، سراسر کره زمین را از ستم و ناحق آکنده‌اند و در نتیجه انسان‌ها را از رسیدن به سر منزل مقصود بازداشته‌اند، ولی خداوند نوید داده است که مفسر واقعی عدالت به معنای گسترده و وسیع آن - خواهد آمد و جامعه بشری را به این خواسته برحقش خواهد رساند.

حکومت نهایی معصوم آخرین، با برنامه‌ریزی صحیح و اصولی، به انسانها حیات واقعی می‌بخشد و با ارائه راهکارهای حکیمانه و برجیدن بساط ستم و ستمگر و زدودن جهل و خرافه، سطح فکری و علمی آدمیان را به حد مطلوب می‌رساند. آنگاه خود به قسط و عدالت قیام می‌کنند و در مسیر تکامل به پیش می‌روند که پرستشگر واقعی خدا شوند و امنیت و رفاه و عدالت و حق طلبی به غایت کمال برسد و هدف نهایی آفرینش - که همان پرستش همه جانبه و عاشقانه و عارفانه الهی است - جامعه عمل بیوشد.

پی‌نوشتها:

۱. المفردات، راغب اصفهانی، واژه‌های عدل و ظلم.
۲. شرح غرر الحکم، آمدی، ج ۱، ص ۶۴، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۳. مصباح الولاية الى الخلافة والولاية، ترجمه فهري، ص ۸۴، پیام آزادی، تهران.



۴. رک: شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۱۴۷.
۵. بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۸، بیروت.
۶. فارابی، مؤسس فلسفه اسلامی، رضا داوری اردکانی، ص ۱۳.
۷. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۷۲، اسماعیلیان، قم.
۸. صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۰۴.
۹. مضمون و شبیه این جمله در روایات بسیاری آمده است.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۰ - ۴۸۲.
۱۱. سلوک معنوی، اکبر اسدی، ص ۷۲، انتشارات پارسایان قم، ۱۳۸۰ (سخنان آیه الله بهاءالدینی).
۱۲. العین، علامه حلی، ص ۱۴۲.
۱۳. منتخب الاثر، لطف ا... صافی، ص ۴۸۳، صدر.
۱۴. همان، ص ۲۲۰.
۱۵. اثبات الهداة، ج ۷، ص ۴۴.
۱۶. علل الشرائع، شیخ صدوق، ص ۱۶۱، حیدریه، نجف.
۱۷. تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۲۲ و ۴۳، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
۱۸. منتخب الاثر، ص ۴۸۴.
۱۹. همان، ص ۴۸۵.
۲۰. همان، ص ۴۷۵.
۲۱. الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۹.
۲۲. یوم الخلاص، کامل سلیمان، ص ۲۷۹، دارالکتاب الضیائی، ۱۴۰۱، الطبعة الثانية، ایران.
۲۳. منتخب الاثر، ص ۴۶۹.
۲۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.
۲۵. الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۹.
۲۶. منتخب الاثر، ص ۱۱۰.
۲۷. الممهّدون للمهدی، علی کورانی، ص ۶۲.
۲۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۶.
۲۹. همان، ص ۳۳۸.
۳۰. همان، ج ۵۱، ص ۲۹.
۳۱. الممهّدون للمهدی، علی کورانی، ص ۶۲، دفتر تبلیغات، قم.
۳۲. منتخب الاثر، ص ۳۱۱.
۳۳. رک: اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵۸، دار صلب، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۳۴. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.
۳۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
۳۶. منتخب الاثر، ص ۴۷۰.
۳۷. الغیبه، طوسی، ص ۱۱۲.
۳۸. منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

